

یکی از جالب‌ترین سؤالات مفهوم این مدل سؤالات است. یعنی زمانی که تیترا سؤال عین «غیر المناسب» و تمام گزینه‌ها هم فارسی باشند. در این مدل از سؤالات مفهوم دیگر احتیاج به خواندن و ترجمه کردن متن سؤال نداریم و همانند یک تست قرابت معنایی فارسی آن را حل می‌کنیم.

۱

قرابت معنایی فارسی (کدام گزینه مفهوم متفاوت دارد)

تمام گزینه‌ها فارسی (هنر ۹۳)

﴿ لَا تَبْطُلُوا صَدَقَاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَالْأَذَى ﴾ عین غیر المناسب للمفهوم:

۱) نکوئی گر کنی مَنّت منه زان	که باطل شد ز مَنّت جود و احسان!
۲) نیکیت شیشه است ای عاقل	مکن از سنگ مَنّتش باطل!
۳) دگر گر با کسی کردی نکوئی	نباشد نیکوئی گر بازگوئی!
۴) و چو نیکی کنی نیکی آید بسرت	بدی را بدی باشد اندر خورت!

در این تست نیازی به معنا کردن صورت سؤال نداریم و فقط مفهوم گزینه‌ها را پیدا می‌کنیم و آن را مانند یک تست قرابت معنایی حل می‌کنیم و گزینه‌ای که با سایر گزینه‌ها مفهوم متفاوت دارد را پیدا می‌کنیم.

۲

﴿ لَا تَبْطُلُوا صَدَقَاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَالْأَذَى ﴾ عین غیر المناسب للمفهوم:

۱) نکوئی گر کنی مَنّت منه زان

مفهوم ۱: باطل شدن کار نیک با مَنّت گذاشتن

۲) نیکیت شیشه است ای عاقل

مفهوم ۲: باطل شدن کار نیک با مَنّت گذاشتن

۳) دگر گر با کسی کردی نکوئی

مفهوم ۳: باطل شدن کار نیک با مَنّت گذاشتن

۴) و چو نیکی کنی نیکی آید بسرت

مفهوم ۴: نتیجه فوپی، فوپی و نتیجه بری، بری است.

همان‌گونه که در این حل شماتیک می‌بینید تنها گزینه‌ی (۴) است که مفهومی متفاوت با سایر گزینه‌ها دارد.

شماتیک Final Schema

۳

باطل شدن کار نیک با مَنّت گذاشتن

﴿ لَا تَبْطُلُوا صَدَقَاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَالْأَذَى ﴾ عین غیر المناسب للمفهوم:

۱) نکوئی گر کنی مَنّت منه زان	که باطل شد ز مَنّت جود و احسان!
۲) نیکیت شیشه است ای عاقل	مکن از سنگ مَنّتش باطل!
۳) دگر گر با کسی کردی نکوئی	نباشد نیکوئی گر بازگوئی!
۴) و چو نیکی کنی نیکی آید بسرت	بدی را بدی باشد اندر خورت!

مفهوم ۴: نتیجه فوپی، فوپی و نتیجه بری، بری است.

به صورت تست توجه کنید و متن آن را ترجمه کنید و سپس معادل یابی کنید.

۱

(خارج از کشور ۹۳)

ترجمه: هر کس به اندازه‌ی مثال ذره‌ای خوبی کند آن را می‌بیند

مفهوم: حتمی بودن پاداش خوبی

﴿فمن يعمل مثقال ذرة خيراً يره﴾. عین المناسب للمفهوم:

- (۱) نیکی ار در محل خود نبود      ظلم خوانندش ار چه بد نبود!
- (۲) نیک است و بد است مردم گیتی      بد را بگذار و نیک را بگزین!
- (۳) نیک ار کنی بگیردت روز واپسین!
- (۴) نیک دشوار توان کردن و بد سخت آسان!

۲

سپس به سراغ گزینه‌ها می‌رویم، در این تست تمام گزینه‌ها فارسی است پس به سراغ مفهوم گزینه‌ها رفته و معادل یابی می‌کنیم:

(خارج از کشور ۹۳)

﴿فمن يعمل مثقال ذرة خيراً يره﴾. عین المناسب للمفهوم:

- (۱) نیکی ار در محل خود نبود      ظلم خوانندش ار چه بد نبود!

مفهوم ۳: هر چیزی یابی و زمانی دارد.

- (۲) نیک است و بد است مردم گیتی      بد را بگذار و نیک را بگزین!

مفهوم ۳: انتقاب کردن خوبی

- (۳) نیک ار کنی بگیردت روز واپسین!

مفهوم ۴: حتمی بودن پاداش خوبی

- (۴) نیک دشوار توان کردن و بد سخت آسان!

مفهوم ۴: نیکی سفت است و بدی آسان

صورت سؤال «عین المناسب للمفهوم» است و مفهوم مناسب را از ما می‌خواهد همان‌طور که در این شماتیک مشاهده می‌کنید تنها گزینه‌ی (۳) است که معادله‌ی مفهومی آن با متن سؤال صحیح است.

شماتیک  
Final Shema

(خارج از کشور ۹۳)

﴿فمن يعمل مثقال ذرة خيراً يره﴾. عین المناسب للمفهوم:

مفهوم: حتمی بودن پاداش خوبی

- (۱) نیکی ار در محل خود نبود      ظلم خوانندش ار چه بد نبود!
- (۲) نیک است و بد است مردم گیتی      بد را بگذار و نیک را بگزین!
- (۳) نیک ار کنی بگیردت روز واپسین! ✓
- (۴) نیک دشوار توان کردن و بد سخت آسان!

مفهوم ۴: حتمی بودن پاداش خوبی

مفهوم کلی صورت سؤال را بیابید.

۱

مفهوم: تناسب سخن با عقل مردم

ترجمه: با مردم به اندازه‌ی عقل هایشان سخن بگو

«كَلِّمِ النَّاسَ عَلَىٰ قَدْرِ عَقُولِهِمْ!» عین المناسب للمفهوم:

(تجربی ۹۳)

- (۱) إِنَّ خَيْرَ الْكَلَامِ مَا يُمْكِنُ فَهْمَهُ لِلنَّاسِ!
- (۲) إِنَّكُمْ مَسْئُولُونَ عَنِ الْكَلَامِ بَيْنَ النَّاسِ!
- (۳) يَجِبُ عَلَيْكُمْ أَنْ تَحْفَظُوا لِسَانَكُمْ أَمَامَ النَّاسِ!
- (۴) تَأَمَّلْ قَبْلَ أَنْ تَبْدَأَ بِالْكَلَامِ أَمَامَ النَّاسِ!

صورت سؤال «عین المناسب للمفهوم» است پس تنها یک گزینه از نظر مفهوم با عبارت اصلی تست معادل است. حال به سراغ گزینه‌ها می‌رویم و معادل یابی می‌کنیم.

۲

مفهوم کلی گزینه‌ها را پیدا کنید و گزینه‌ای که مفهوم نزدیک تری به صورت سؤال دارد را بیابید.

(تجربی ۹۳)

«كَلِّمِ النَّاسَ عَلَىٰ قَدْرِ عَقُولِهِمْ!» عین المناسب للمفهوم:



در این معادلات مفهومی تنها یک معادله است که با متن صورت سؤال از نظر مفهوم برابر هستند و آن هم گزینه‌ی (۱) می‌باشد که با صورت سؤال هم مفهوم است.

Final Schema  
تمهیلی فایل

مفهوم: تناسب سخن با عقل مردم

«كَلِّمِ النَّاسَ عَلَىٰ قَدْرِ عَقُولِهِمْ!» عین المناسب للمفهوم:

(تجربی ۹۳)

- (۱) إِنَّ خَيْرَ الْكَلَامِ مَا يُمْكِنُ فَهْمَهُ لِلنَّاسِ! ✓
- (۲) إِنَّكُمْ مَسْئُولُونَ عَنِ الْكَلَامِ بَيْنَ النَّاسِ!
- (۳) يَجِبُ عَلَيْكُمْ أَنْ تَحْفَظُوا لِسَانَكُمْ أَمَامَ النَّاسِ!
- (۴) تَأَمَّلْ قَبْلَ أَنْ تَبْدَأَ بِالْكَلَامِ أَمَامَ النَّاسِ!

مفهوم: تناسب سخن با فهم مردم

به صورت سؤال نگاه کنید ما در مفاهیم هم «چهارتایی‌ها» داریم این تست یک مدل از چهارتایی‌های مفهوم است که شما باید هر چهار گزینه را به عنوان یک سؤال مستقل در نظر گرفته و معادلات مفهومی هر یک را بررسی کنید.

۱

## عین غیر المناسب للمفهوم:

(زبان ۹۳)

- (۱) رَبِّ ظَمَانَ بَصْفُو الْمَاءِ غَصَّ = ﴿وَعَسَىٰ أَنْ تَحْبَبُوا شَيْئًا وَ هُوَ شَرٌّ لَكُمْ﴾  
 (۲) الْبِرُّ أَنْ تَعْمَلَ فِي السَّرِّ عَمَلَ الْعَلَانِيَةِ = ﴿وَأَنْفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً﴾  
 (۳) ﴿وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ﴾ = و هر که گفتار نرم پیش آرد - همه دل‌ها به قید خویش آرد!  
 (۴) ﴿وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا﴾ = افتادگی آموز اگر طالب فیضی - هرگز نخورد آب، زمینی که بلند است!

۲

## عین غیر المناسب للمفهوم:

(زبان ۹۳)

- (۱) رَبِّ ظَمَانَ بَصْفُو الْمَاءِ غَصَّ = ﴿وَعَسَىٰ أَنْ تَحْبَبُوا شَيْئًا وَ هُوَ شَرٌّ لَكُمْ﴾  
 ترجمه: چه بسا تشنه‌ای که با آب صاف گلوگیر شده است. مفهوم: شاید نتیجه با انتظار ما فرق کند  
 ترجمه: و شاید چیزی را دوست بدارید در حالی که برای شما بد است. مفهوم: شاید نتیجه با انتظار ما فرق کند
- (۲) الْبِرُّ أَنْ تَعْمَلَ فِي السَّرِّ عَمَلَ الْعَلَانِيَةِ = ﴿وَأَنْفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً﴾  
 ترجمه: خوبی آن است که در پنهان هم چون آشکار عمل کنی مفهوم: عدم دورویی و تزویر  
 ترجمه: و از آن چه به آن‌ها روزی دادیم پنهان و آشکار انفاق کردند. مفهوم: انفاق در پنهان و آشکار
- (۳) ﴿وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ﴾ = و هر که گفتار نرم پیش آرد - همه دل‌ها به قید خویش آرد!  
 ترجمه: و اگر درشت‌خویی سنگدل بودی قطعاً از پیرامونت پراکنده می‌شدند. مفهوم: عدم بداخلاقی عامل جذب دیگران  
 مفهوم: مهربانی عامل جذب دیگران
- (۴) ﴿وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا﴾ = افتادگی آموز اگر طالب فیضی - هرگز نخورد آب، زمینی که بلند است!  
 ترجمه: و بندگانی خداوند رحمان کسانی هستند که روی زمین به آرامی راه می‌روند مفهوم: تواضع بندگان در راه رفتن  
 مفهوم: تواضع

در این حلّ شماتیک به معادلات مفهومی توجه کنید. طراح سوال با قرار دادن کلمات یکسان در هر دو طرف گزینه (۲) سعی در به خطا انداختن شما داشته. دو کلمه «السّر» و «العلانية» در هر دو طرف گزینه آمده است ولی هر جمله مفهوم متفاوتی را می‌رساند. پس در این گزینه دو عبارت دارای مفهوم غیر مناسب می‌باشد و معادله‌ی مفهومی گزینه‌ی (۲) صحیح نیست.

شمای قیاس  
Final Schema

## عین غیر المناسب للمفهوم:

(زبان ۹۳)

- (۱) رَبِّ ظَمَانَ بَصْفُو الْمَاءِ غَصَّ = ﴿وَعَسَىٰ أَنْ تَحْبَبُوا شَيْئًا وَ هُوَ شَرٌّ لَكُمْ﴾  
 مفهوم: عدم دورویی و تزویر  
 مفهوم: انفاق در پنهان و آشکار
- (۲) ✓ الْبِرُّ أَنْ تَعْمَلَ فِي السَّرِّ عَمَلَ الْعَلَانِيَةِ \* ﴿وَأَنْفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً﴾  
 (۳) ﴿وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ﴾ = و هر که گفتار نرم پیش آرد - همه دل‌ها به قید خویش آرد  
 (۴) ﴿وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا﴾ = افتادگی آموز اگر طالب فیضی - هرگز نخورد آب، زمینی که بلند است.

معادلات مفهومی

عبارت‌هایی که با عدد مشخص شده‌اند در آخر این قسمت توضیحات بیشتری برایشان آمده است.

مفهوم اصلی (هنر ۹۳)

﴿ لا تُبْطِلُوا صِدْقَاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَالْأَذَى ﴾

صدقات خود را با منت‌گذارند و اذیت دادن باطل نکنید.

تمارین درس سوم عربی (۲)

معادلات مفهومی

۱ نکوئی گر کنی منت منه زان / که باطل شد ز منت جود و احسان!

۲ نیکیت شیشه است ای عاقل / مکن از سنگ منتش باطل! (هنر ۹۳)

۳ دگر گر با کسی کردی نکوئی / نباشد نکوئی گر بازگوئی! (هنر ۹۳)

لا تُبْطِلُوا: باطل کنید المنّ: منت‌گذارند الأذی: اذیت کردن

مفهوم اصلی (تورپی ۸۷)

﴿ لا تَقُلْ أَصْلَابِي وَفَصْلِي أَبَدًا / إِنَّمَا أَصْلُ الْفَتَى مَا قَدْ حَصَلَ ﴾

هرگز از اصل و نسب خود نگو، اصل جوانمرد فقط آن چه به دست آورده است می‌باشد!

هشتمین بیت از درس چهارم عربی (۲)

معادلات مفهومی

۱ ﴿ كَلَّ نَفْسٌ بِمَا كَسَبَتْ رَهِينَةً ﴾

(تجربی ۸۲، انسانی ۸۶، هنر ۸۴ / حول النصّ، درس نیم عربی ۲۱، الإصواء القرآنیة، درس دهم عربی ۱۱)

هر نفسی (کسی) در گرو آن چه است که به دست آورده است.

۲ ﴿ مَنْ عَمِلَ صَالِحًا فَلِنَفْسِهِ وَ مَنْ أَسَاءَ فَعَلَيْهَا! ﴾ (انسانی ۸۶)

هر کس به نیکی عمل کند برای خود اوست و هر کس بدی کند بر ضد خود اوست.

۳ كلّ إنسان مسؤول عن عمله! (هنر ۸۴)

هر انسانی مسئول عمل خویش است!

رهینه: گرو اساءة: بدی کند

مفهوم اصلی (ریاض ۹۳)

﴿ من يتأمل قبل الكلام يسلم من الخطأ ﴾

هر کس قبل از سخن گفتن بیندیشد از خطا در امان است.

(اخیر نفسک درس هفتم عربی ۲۱)

معادلات مفهومی

۱ سخندان پرورده پیر کهن / بیندیشد آن‌گه بگوید سخن! (ریاض ۹۳)

مفهوم اصلی (زبان ۹۳، ریاض ۹۱، ریاض ۸۹، تجربی ۸۶، زبان ۸۴)

﴿ قد يضرُّ الشيءُ ترجو نفعه / ربّ ظمآن بصفو الماءِ غصّاً! ﴾

«چیزی که امید نفع آن را داری گاهی (به تو) ضرر می‌رساند / چه بسا فرد تشنه‌ای که با آب صاف (گورا) گلوگیر شده است!»

بیت ششم از متن درس ششم عربی (۳)

معادلات مفهومی

۱ ﴿ عسى أن تحبوا شيئاً و هو شرُّ لكم: ﴾ (زبان ۹۳، ریاض ۸۹ و زبان ۸۴)

چه بسا چیزی را که دوست دارید در حالی که برای شما بد است.

۲ لاخیر فی الآمال التي تضرنا لأنّها تهلکنا بعض الأحيان! (ریاض ۹۱)

هیچ خیری در آرزوهایی که به ما ضرر می‌رساند نیست زیرا آن‌ها گاهی اوقات ما را هلاک می‌کنند!

۲ لیس کلّ شیءٍ نحبّه مفیداً لنا! (تجربی ۸۶)

هر چیزی که دوستش می‌داریم برای ما مفید نیست!

یضرّ: ضرر می‌رساند ظمآن: تشنه غصّ: گلوگیر شد  
ترجو: امید داری (عطشان) تهلك: هلاک می‌کند

مفهوم اصلی (ریاض ۹۱، هنر ۸۹، تجربی ۸۸)

﴿ متی ما تلق من تهوی دع الدنیا و أهملها. ﴾

هرگاه کسی را ملاقات کنی که او را دوست داری، دنیا را رها کن و آن را به حال خویش واگذار.

«حاشیه متن» درس اول عربی (۳)

معادلات مفهومی

۱ إن دخلت محبة الخالق في القلب يخرج حبّ الأمور الدنیویة منه!

اگر محبت آفریدگار در قلب وارد شود، علاقه‌ی کارهای دنیوی از آن خارج می‌شود! (ریاضی ۹۱)

۲ ﴿ حَبِّ الْمَحْبُوبِ وَ حَبِّ الدُّنْيَا لَا يَجْتَمِعَانِ! ﴾ (هنر ۸۹)

«دوست داشتن محبوب و دوست داشتن دنیا با هم جمع نمی‌شوند!»

۳ عدم الغفلة عن الذي تحبه في جميع الأحوال و الأوضاع!

عدم غفلت از کسی که او را در همه‌ی احوال و اوضاع دوست داریم! (هنر ۸۹)

۴ من يحبّ المطلوب يحقر ما كان غيره! (هنر ۸۹)

هر کس که مطلوبی را دوست دارد غیر از آن‌را حقیر می‌شمارد!

۵ عدم اجتماع حبّ الله و حبّ الدنیا.

جمع نشدن دوستی خدا و دوستی دنیا. (تجربی ۸۸)

متی تلقّ: هرگاه ملاقات کنی، دیدار کنی أهمل: به حال خود واگذار

تهوی: دوست داری يحقر: حقیر می‌شمارد

دَعْ: «اترك» رها کن

## مفهوم اصلی (هنر ۹۲)

«المرء علی دین خلیله و قرینه!»

«انسان بر دین دوست و همنشین خود است!» «تمرین درس سوم عربی (۳)» (۱)

## معادلات مفهومی

- هر که با دیگ نشیند بکند جامه سیاه! (هنر ۹۲)
- نو اوّل بگو با کیان زیستی / پس آن گه بگویم که تو کیستی! (هنر ۹۲)
- با بدان کم‌نشین که درمانی / خوی پذیر است نفس انسانی! (هنر ۹۲)

المرء: انسان

قرین: همنشین

خلیل: دوست

## مفهوم اصلی (ریاض ۸۸، هنر ۸۷)

«لا تترك الدنيا بذریعة الحصول علی الآخرة!»

دنیا را به بهانه‌ی رسیدن به آخرت ترک مکن!

متن درس هفتم عربی (۳)

## معادلات مفهومی

- یُکتسب ما فی الآخرة بما فی هذه الدنيا: (ریاضی ۸۸)
- آنچه در آخرت است به وسیله‌ی آن چه در این دنیا است، کسب می‌شود!
- يجب أن تكون الدنيا وسیلة لكسب الآخرة: (ریاضی ۸۸)
- باید دنیا وسیله‌ای برای کسب آخرت باشد!
- يجب عليك أن تعمل فی الدنيا للآخرة: (ریاضی ۸۸)
- باید در دنیا برای آخرت کار کنی!
- مفتاح الوصول إلى الآخرة فی الدنيا: (هنر ۸۷)
- کلید رسیدن به آخرت در دنیا است!

الذریعة: بهانه

يُکتسب: کسب می‌شود

يجب علی ... : باید ...

وصول: رسیدن

## مفهوم اصلی (ریاض ۹۱، توبی ۸۹)

«لا خیر فی وُد امرئ متلون!»

هیچ خیری در دوستی با انسان دورو نیست!

«اختبر نفسک» درس دهم عربی (۲) و درس پنجم عربی (۳)

## معادلات مفهومی

۱ البرّ أن تعمل فی السرّ عمل العلانية:

«زبان ۹۳، تجربی ۹۲، ریاضی ۹۱، ریاضی ۸۴، تمرین سوم، درس سوم عربی (۳)»

خوبی آن است که در پنهان همچون آشکار عمل کنی.

۲ لا فائدة فی من تختلف سر برته عن علانيته: (ریاضی ۹۱)

هیچ فایده‌ای در کسی که درونش نسبت به بیرونش متفاوت باشد، نیست!

۳ علی الإنسان أن تكون سر برته و علانيته واحدة:

«تجربی ۸۹، این مفهوم در تمرین چهارم، درس ششم عربی (۳) آمده است.»

باید انسان درون و بیرونش یکی باشد!

۴ الاجتناب عن التلون و الریاء و النفاق:

دوری جستن از رنگارنگی (دورویی) و ریا و نفاق!

ودّ: دوستی

سر بره: درون، پنهان

علانية: بیرون، آشکار

البرّ: خوبی و نیکی

امرئ: انسان

متلون: دورو (رنگارنگ)

## مفهوم اصلی (ایان ۹۳، ریاض ۹۰)

﴿و عباد الرحمن الذین یمشون علی الأرض هونا﴾

بندگان خدای رحمان کسانی هستند که روی زمین به آرامی راه می‌روند.

«تمرین دوم» درس دوم عربی (۳)

## معادلات مفهومی

۱ افتادگی آموز اگر طالب فیضی / هرگز نخورد آب زمینی که بلند است!

«زبان ۹۳ و ریاضی ۹۰»

۲ أغصان الأشجار المثمرة تمیل نحو الأرض أكثر:

شاخه‌های درختان پربار بیش‌تر به سوی زمین خم می‌شوند!

«ریاضی ۹۰»

۳ إعجاب المرء بنفسه دلیل علی ضعف عقله:

خودپسندی انسان بر نفس خویش نشانه‌ای بر ناتوانی عقلش است!

«ریاضی ۹۰»

یمشون: راه می‌روند

تمیل: خم می‌شود

هونا: به آرامی

اعجاب: شگفتی، خودپسندی

أغصان: شاخه‌ها

المرء: انسان

المثمرة: پربار، پرثمر

مفهوم اصلی (زبان ۹۵)

«بقدر الكدّ تكتسب المعالي!»

به اندازه‌ی تلاش بزرگی‌ها به دست می‌آید!

«متن درس نهم عربی (۲)»

معادلات مفهومی

۱ «مَنْ جَدَّ وَجَدًا!»

هر کس تلاش کند می‌یابد!

«تجربی ۹۱، کیف» درس هفتم عربی (۲)

۲ تا شب نروی روز به منزل نرسی!

«تجربی ۹۱»

۳ من طلب العلی سهر اللیالی!

«تجربی ۹۱، هنر ۸۴، کارگاه ترجمه» درس هفتم و متن درس نهم عربی (۲)

هر کس بلندی مقام بخواهد شب‌ها بیدار می‌ماند!

۴ نیابد مراد آن‌که جوینده نیست!

«تجربی ۹۱»

۵ لن تبلغ المجد حتى تلعق الصبرا!

«تجربی ۸۴ / «ممرین اول» درس هفتم عربی (۳)»

هرگز به بزرگواری نخواهی رسید تا این که صبر را بجشی!

۶ اكتساب الدرجات العالیة إنما هو بقدر الكدّ!

«هنر ۸۳»

به‌دست آوردن درجات بلند فقط به اندازه‌ی تلاش است!

۷ الأهداف السامیة تنادی النفوس الساعیة:

«زبان ۹۲»

هدف‌های والا جان‌های تلاشگر را می‌خواند!

لن تبلغ: نخواهی رسید

جدّ: تلاش کند

تلعق: بجشی

العلی: بلندی مقام

الكدّ: زحمت، تلاش

سهر: شب بیدار ماند

السامیة: والا

تكتسب: کسب می‌شود

المعالي: بزرگی‌ها

الساعیة: تلاشگر

النفوس: جان‌ها

تنادی: می‌خواند

مفهوم اصلی (انسانی ۹۵)

«الصيد الذي نجا من شبكته اليوم لن ينجو منها غداً»

«صیدی که امروز از تورش نجات یافت فردا از آن نجات نخواهد یافت»

معادلات مفهومی

۱ عاقبت بیک جان ستان برسد!

«انسانی ۹۲»

نجا: نجات یافت

غداً: فردا

شبكة: تور

مفهوم اصلی (ریاض ۸۶)

«من بادر الصيد مع الفجر قنص!»

هر کس صبحگاه مبادرت به شکار ورزد، شکار می‌کند!

بیت چهارم متن درس ششم عربی (۳)

معادلات مفهومی

۱ الإنسان الذي يقوم بأعماله بدون تأخیر فهو الناجح!

«ریاض ۸۶»

انسانی که اعمالش را بدون تأخیر انجام می‌دهد، موفق است!

۲ اغتنم فرصّ الدنيا فإنها تزول!

«تجربی ۸۳»

فرصت‌های دنیا را غنیمت بشمار چرا که از بین می‌روند!

بادرّ: مبادرت ورزید

اغتنمّ: غنیمت بشمار

قنصّ: شکار کرد

تزلّ: از بین می‌رود

مفهوم اصلی (زبان ۹۵، ۹۴، ۸۹، ۸۸، ۸۷، ۸۶، ۸۵، ۸۴، ۸۳، ۸۲، ۸۱، ۸۰)

«و لو كنت فظاً غليظاً غلبت القلب لانفصوا من حولك»

و اگر تندخو و سخت دل بودی قطعاً از اطرافت پراکنده می‌شدند.

«کارگاه ترجمه» درس پنجم عربی (۳)

معادلات مفهومی

۱ و هر که گفتار نرم پیش آرد - همه دل‌ها به قید خویش آرد!

«زبان ۹۲»

۲ من عدّب لسانه کثر إخوانه!

«تجربی ۸۹»

هر کس زبانش شیرین و دلنشین باشد برادرانش زیاد می‌شود!

۳ الابتعاد عن الأخلاق السيئة عند مواجهة الناس

«زبان ۸۸»

دوری کردن از اخلاق بد هنگام برخورد با مردم!

فظاً: تندخو

عدّب: شیرین شد

غليظ القلب: سخت دل

ابتعاد: دوری کردن

انفصوا: پراکنده می‌شدند

السيئة: بد

مفهوم اصلی (تجربی ۹۳)

«كَلِمَ النَّاسِ عَلَى قَدْرِ عَقُولِهِمْ!»

با مردم به اندازه‌ی عقل‌هایشان سخن بگو!

معادلات مفهومی

۱ إن خير الكلام ما يمكن فهمه للناس!

«تجربی ۹۳»

بهترین سخن چیزی است که فهمش برای مردم ممکن باشد!

كَلِمَ: سخن بگو

## مفهوم اصلی (تجربی) (۹۰)

«إِنَّ الْأَحْمَقَ يُصِيبُ بِحَمَقِهِ أَعْظَمَ مِنْ فَجْرِ الْفَاجِرِ!»

همانا احمق با حماقت خویش [به گناهی] بزرگ‌تر از گناه فاسق دچار می‌شود!

## معادلات مفهومی

۱ یا عجباً... هل تظنُّ أنَّ حمقَ الجاهلِ أقلَّ ضرراً من فسقِ الفجرة: (تجربی ۹۰)  
شگفتنا... آیا تصوّر می‌کنی که حماقت جاهل از لحاظ ضرر کم‌تر از گناه فاسق است؟

يُصِيبُ: دچار می‌شود  
تظنُّ: تصوّر (گمان) می‌کنی  
حمق: حماقت  
الفاجر: فاسق، گناهکار

## مفهوم اصلی (تجربی) (۸۹)

﴿إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَى﴾<sup>(۱)</sup>

همانا ما شما را از نر و ماده آفریدیم.

متن درس سوم عربی (۳)

## معادلات مفهومی

۱ اعلم أنّ لكلّ شيءٍ قرين المادّة:  
بدان که برای هر چیزی پاد ماده است!

ذکر: نر  
أنثى: ماده  
القرين: جفت، همراه  
قرين المادّة: پاد ماده

## مفهوم اصلی (فارغ از کشور) (۹۳)

﴿فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ﴾

پس هر کس به اندازه‌ی مثقال ذره‌ای خوبی کند آن را می‌بیند.

التكمير نفوسك درس پنجم عربی (۳۳)

## معادلات مفهومی

۱ نيك ار كنى بگيردت روز واپسين!  
بره: آن را می‌بیند

(خارج از کشور ۹۳)

## مفهوم اصلی (زبان) (۹۲)

من قصد الخير كمن فعله

کسی که کار نیک را قصد کند مانند کسی است که آن را انجام داده است.

## معادلات مفهومی

۱ اعلم أنّما الأعمال بالنیات!  
بدان که کارها فقط به نیت‌هاست!

(زبان ۹۲، کارگاه ترجمه درس هشتم عربی (۲۱))

فعل: انجام داد  
كمن (ك + من): مانند کسی  
قصد: قصد کرد

## مفهوم اصلی (تجربی) (۹۱)

إعمل عمل من يعلم أنّ الله مجاز به إساءته و إسانه!

همانند کسی عمل کن که می‌داند خداوند به بدی و نیکیش، جزا می‌دهد!

## معادلات مفهومی

۱ ما يعمل الإنسان من خير أو شرّ يحاسب عليه!  
هر چه انسان از خوبی یا بدی انجام دهد در مورد آن محاسبه می‌شود!

(تجربی ۹۲)

مجازي: جزا دهند  
إساءة: بدی

## مفهوم اصلی (انسانی) (۹۰)

«إِنَّ النَّمِيمَةَ تَزْرَعُ الضَّغِينَةَ!»

همانا سخن‌چینی (بذر) کینه می‌کارد!

## معادلات مفهومی

۱ ما أقيح السعاية! فإنّها تنشر بذور الحقد بين الناس!  
بدگویی چه زشت است! همانا آن بذره‌ای کینه را میان مردم می‌پراکند!

(انسانی ۹۰)

النميمة: خیرچینی  
الضغينة: کینه  
السعاية: بدگویی  
الحقد: کینه

## مفهوم اصلی (هنر) (۸۹)

«طبيب يداوي الناس و هو مريض!»

پزشکی که مردم را مداوا می‌کند در حالی که خود مریض است!

## معادلات مفهومی

۱ پندم چه دهی نخست خود را / محکم کمری ز پند در بند!  
۲ پزشکی که باشد به تن دردمند / ز بیمار چون بازدارد گزند!  
۳ پزشکی که خود باشدش زردروی / از او داروی سرخ‌روئی مجوی!

(هنر ۸۹)

(هنر ۸۹)

(هنر ۸۹)

یداوي: مداوا می‌کند.

## مفهوم اصلی (انسانی ۹۳، انسانی ۸۹)

«من طمع بالكثير لم يحصل على القليل!»

هر کس بسیار طمع کند به چیز کم (هم) نمی‌رسد!

## معادلات مفهومی

۱ حرص توست این که همه چیز تو را نایاب است /  
آز کم کن که نرخ همه ارزان گردد!

(انسانی ۹۲)

۲ طمع را نباید که چندان کنی / که صاحب کرم را پشیمان کنی! (انسانی ۸۹)



مفهوم اصلی (انسانی) (۸۷)

﴿عسى أن تكرهوا شيئاً ويجعل الله فيه خيراً كثيراً﴾  
چه بسا چیزی را ناخوشایند بدارید و خداوند خیر زیادی در آن قرار دهد.

«اختبر نفسک» درس پنجم عربی (۳)

معادلات مفهومی

۱. قد ينفع الشيء تحسبه شراً:

گاهی سود می‌رساند چیزی که آن را بد می‌پنداری! (ریان ۹۲)

۲. الخیر فی ما وُقع:

خیر در چیزی است که رخ دهد! (انسائی ۸۷)

مفهوم اصلی (انسانی) (۸۹)

«إن المرء مخبوء تحت لسانه!»  
همانا [شخصیت] انسان زیر زبانش پنهان است!

معادلات مفهومی

۱. چو در بسته باشد چه داند کسی / که گوهر فروش است یا پیلهور! (۳)

(انسائی ۸۹)

المخبوء: پنهان

مفهوم اصلی (انسانی) (۸۹)

«ترك الذنب أهون من طلب التوبة!»  
ترک گناه آسان‌تر از طلب توبه است!

معادلات مفهومی

۱. علاج واقعه قبل از وقوع باید کرد!

(انسائی ۸۹)

الذنب: گناه  
أهون: آسان‌تر

مفهوم اصلی (هنر) (۹۰)

«إن من كسر مؤمناً فعليه جبره!»  
هر کس مؤمنی را بشکند جبرانش بر او لازم است!

«کارگاه ترجمه» درس پنجم عربی (۳)

معادلات مفهومی

۱. تبجیل المؤمن مثل احترام بیت الله!

(هنر ۹۰)

بزرگداشت مؤمن همانند احترام به خانه‌ی خداست!

کسر: شکست  
جبر: جبران  
تبجیل: بزرگداشت

مفهوم اصلی (هنر) (۹۰)

«إن الحياة دقائق و ثوان»  
به راستی زندگی دقیقه‌ها و ثانیه‌هاست.

«حول النص» درس ششم عربی (۳)

معادلات مفهومی

۱. حاصل از حیات ای دل یکدم است تا دانی!

(هنر ۹۰)

مفهوم اصلی (ریان ۹۰، هنر ۹۰، فارم از کشور ۸۸)

«في الجبن عازٌ و في الإقدام مكرمة / و المرء بالجبن لا ينجو من القدر!»  
در ترس ننگ وجود دارد و در شجاعت شرافت و بزرگی و انسان با ترس از تقدیر نجات نمی‌یابد!

«حول النص» درس ششم عربی (۳)

معادلات مفهومی

۱. با قضا سود کی کند حذرت!

(هنر ۹۰)

۲. با قضا کارزار نتوان کرد!

(ریان ۹۰)

۳. چون قضا آید چه سود از احتیاط!

(ریان ۹۰)

۴. گر نگاه‌دار من آنست که من می‌دانم / شیشه را در بغل سنگ نگه می‌دارد!

(ریان ۹۰)

الجبن: ترس  
عاز: ننگ  
مكرمة: شرافت و بزرگی  
لا ينجو: نجات نمی‌یابد

مفهوم اصلی (فارم از کشور ۸۸)

﴿لات حين مناص﴾  
زمان فرار و گریختن نیست.

متن درس چهارم عربی (۱)

معادلات مفهومی

۱. المرء لا ينجو من القدر!

انسان از سرنوشت، نجات و رهایی نمی‌یابد.

(ریان ۹۰، هنر ۹۰، خارج از کشور ۸۸ / «حول النص» درس ششم عربی (۳))

۲. لا تحاول، لا فائدة من الفرار!

کوشش مکن، هیچ فایده و سودی در فرار نیست! (خارج از کشور ۸۸)

۳. وقعت في الفخ، فلا إمكان للنجاة!

در دام افتاده پس امکانی برای نجات و رهایی نیست! (خارج از کشور ۸۸)

مناص: گریختن  
لا تحاول: تلاش مکن  
الفخ: دام

مفهوم اصلی (فارج از کشور ۷، هنر ۸۶)

«و اترك الحرص تعش في راحة / قلما نال مناه من حرص»  
حرص را رهاکن تا در راحتی زندگی کنی، چه اندک کسی که طمع دارد به آرزوهایش رسیده است.

بیت پنجم متن درس ششم عربی (۳)

## معادلات مفهومی

۱. بیتعد الحرص عن مناه لأتيا كثيرة!  
حرص از آرزوهایش دور می شود زیرا آن ها زیادند!  
[خارج از کشور ۸۷]
۲. من حرص ازادات مطالبه فلانها!  
هرکس حرص بورزد خواسته هایش زیاد می شود. پس به آن نمی رسد!  
[خارج از کشور ۸۷]
۳. ليس الحرص طريقاً للحصول على المني!  
حرص راهی برای رسیدن به آرزوها نیست!  
[خارج از کشور ۸۷]
۴. الحرص مفتاح السوء، يجعل صاحبه قلقاً!  
طمع کلید بدی است و صاحبش را پریشان می کند!  
[هنر ۸۶]
۵. الحرص لا يسبب حياة أفضل!  
طمع سبب یک زندگی برتر نمی شود!  
[هنر ۸۶]
۶. الحرص لا يغير الرزق المقسوم!  
طمع روزی تقسیم شده را تغییر نمی دهد!  
[هنر ۸۶]

... تعش: زندگی کن  
قلما: چه اندک  
نال: رسید  
مناه: آرزوهایش  
قلقاً: پریشان

مفهوم اصلی (فارج از کشور ۹۳، فارج از کشور ۸۹)

«عاتب أخاك بالإحسان إليه!»  
برادرت را با نیکی کردن به او سرزنش کن!

«تمرین اول» درس دوم عربی (۲)

## معادلات مفهومی

۱. با بدانیش هم نکویی کن!  
[خارج از کشور ۹۲]
۲. به کسی که به تو بدی کرده نیکی کن!  
[خارج از کشور ۹۲]
۲. بخشش از بزرگان است!  
[خارج از کشور ۹۲]
۴. بدی را بدی سهل باشد جزا / اگر مردی أحسن إلى من أسأ!  
[خارج از کشور ۸۹]

عاتب: سرزنش کن

مفهوم اصلی (زبان ۹، زبان ۸۹)

«أحسب الناس أن يتركوا أن يقولوا آمنا وهم لا يفتنون»  
آیا مردم پنداشتند رهامی شوند (اگر) بگویند ایمان آوردیم و امتحان نمی شوند؟!  
[زبان ۹۱]

«تمرین سوم» درس هشتم عربی (۲)

## معادلات مفهومی

۱. يُعرف إيمان المرء عند الامتحان الإلهي!  
ایمان شخص هنگام امتحان الهی شناخته می شود!  
[زبان ۹۱]
۲. آتش کند پدید که عود است یا حطب!  
[زبان ۹۱]
۳. حاسبوا أنفسكم في الدنيا قبل أن تُحاسبوا!  
خودتان را در دنیا محاسبه کنید، قبل از این که مورد محاسبه قرار گیرید!  
[زبان ۹۱]
۴. ز امتحان شود حال هر کسی معلوم!  
[زبان ۸۹]

حسب: پنداشت  
أن يُتْرَكُوا: رها می شوند  
لا يُفْتَنُونَ: امتحان نمی شوند

مفهوم اصلی (فارج از کشور ۸۶)

«استخدم القرآن البراهين والأدلة المتنوعة لتشمل جميع الفئات المختلفة»  
قرآن از برهان ها و دلایل گوناگون استفاده کرده است تا تمام گروه های مختلف را شامل شود.

متن درس سوم عربی (۳)

## معادلات مفهومی

۱. «و لقد صرفنا في هذا القرآن للناس من كل مثل»  
یقیناً در این قرآن از هر مثالی برای مردم زده ایم.  
[خارج از کشور ۸۶ / متن درس سوم عربی ۱۳]
- لتشمل: تا شامل شود  
الفئات: گروه ها  
صرفنا ... مثل: مثالی زده ایم

مفهوم اصلی (فارج از کشور ۹۰)

«لن يقترب أحد من الأعداء من رسول الله والرمضاء لها عرق ينبض!»  
احدی از دشمنان به رسول خدا (ص) نزدیک نخواهد شد در حالی که رمیصا رگی دارد که می زند!  
[کارگاه ترجمه «درس چهارم عربی (۳)»]

## معادلات مفهومی

۱. «یار آن بود که مال و تن و جان فدا کند / تا در سبیل دوست به پایان برد وفا!»  
[خارج از کشور ۹۰]
- لن يقترب: نزدیک نخواهد شد  
العرق: رگ  
ينبض: (نبض) می زند

مفهوم اصلی (ریاضی ۹۰، هنر ۸۸)

«و ما المال و الأهلون إلا ودائع / و لا بدَّ يوماً أن تُردَّ الودائع!»

مال و خاندان فقط امانت‌هایی هستند / و چاره‌ای نیست که امانت‌ها روزی برگردانده شوند!

«تمرین دوم» درس ششم عربی (۳)

معادلات مفهومی

۱ عدم الحزن و التحسّر علی مافات فی هذه الدنيا!

نداشتن غم و حسرت بر آن چه در این دنیا از دست رفته است! (هنر ۸۸)

الأهلون: خانواده، خاندان  
الودائع: امانت‌ها  
تُردُّ: برگردانده شود  
التحسّر: حسرت خوردن  
مافات: آنچه از دست رفته

مفهوم اصلی (زبان ۸۷)

«تَبَّتْ عَلٰی حِفْظِ الْعَهْدِ قُلُوبُنَا!»

دل‌هایمان بر حفظ عهدها ثابت است!

معادلات مفهومی

۱ لا دين لمن لا عهد له!

کسی که عهدی ندارد هیچ دینی ندارد! (زبان ۸۷)

۲ الكريم إذا وعد وفی!

بخشنده هنگامی که وعده می‌دهد وفا می‌کند! (زبان ۸۷)

۳ إنّ الوفاء سجیة المؤمن!

وفا صفت مؤمن است! (زبان ۸۷)

مفهوم اصلی (زبان ۸۶)

«غزاة لئن قتلوا وردنا / فلن یقتلوا الحلم فی الیاسمین!»

جنگجویان اگرچه گل ما را کشتند (اما) رویا (آرزو) را در گل یاسمن (نسل آینده) نخواهند کشت!

«بیت پنجم» متن درس هفتم عربی (۲)

معادلات مفهومی

۱ یقتل شباننا و أطفالنا لا یستطیع العدو أن یسیطر علینا و یُخرج الأمل من قلوب جیلنا!

با قتل جوانان و کودکان ما، دشمن نمی‌تواند بر ما سیطره یابد و آرزو را از قلب‌های نسل ما خارج کند! (زبان ۸۶)

غزاة: جنگجویان  
ورد: گل  
الحلم: رویا  
سیطر: سیطره یابد  
الأمل: آرزو  
جیل: نسل

مفهوم اصلی (انسانی ۹۱)

«بداصل گدا، چو خواجه‌گرد نه نکوست / مغرور شود، نداند از دشمن دوست!»

معادلات مفهومی

۱ کلّ إناء یترشّح بما فیہ! (۴)

از هر ظرفی آن چه که در آن است تراوش می‌کند! (انسانی ۹۱)

یترشّح: تراوش می‌کند

مفهوم اصلی (زبان ۹۰، تئوری ۸۳)

«رأیت الدهر مختلفاً یدور / فلا حزن یدوم و لا سرور»

روزگار را دیدم در حالی که گوناگون می‌گذشت / نه غمی پایدار می‌ماند و نه سروری

«حول النص» درس ششم عربی (۳)

معادلات مفهومی

۱ نیک و بد روزگار در گذر است!

(زبان ۹۲)

۲ الدهر یومان یوم لك و یوم علیك!

روزگار دو روز است روزی برای تو و روزی علیه توست! (هجری ۸۲)

الدهر: روزگار  
یدور: می‌گذرد  
لا ... یدوم: پایدار نمی‌ماند

مفهوم اصلی (انسانی ۸۳)

«قیمة الانسان بعقله»

ارزش انسان به عقل اوست.

معادلات مفهومی

۱ بزرگی به عقل است نه به سال

(انسانی ۸۳)

۲ خرد برتر از گوهر آمد پدید

(انسانی ۸۳)

۳ ارزش انسان در گرو اندیشه اوست

(انسانی ۸۳)

مفهوم اصلی (انسانی ۸۳)

«یا ولدی! إن الصدق و الأمانة سجیة الاحرار فالزمهما»

ای فرزندم! راستی و امانت صفت آزادگان است پس به آن دو ملزم باش.

معادلات مفهومی

۱ صفتان حسنتان هما الصدقة و رعاية الأمانة، فتمسک بهما!

دو صفت نیک همان راستی و رعایت امانت است پس به آن‌ها تمسک بجوی!

(انسانی ۸۳)

سجیة: صفت، خصلت  
الأحرار: آزادگان  
الزم: ملزم باش

## مفهوم اصلی (زبان ۸۳)

«عليكم أن تتخذوا العلماء سراجاً يرشدكم إلى الحق»<sup>(۵)</sup>

بر شماست که دانشمندان را چراغی بدانید که شما را به حق هدایت می‌کند.

(مشابه این عبارت در متن درس پنجم عربی (۲) آمده)

## معادلات مفهومی

۱ العلماء سراج للهداية<sup>(۶)</sup>

(زبان ۸۳)

دانشمندان چراغی برای هدایت هستند.

یرشد: هدایت می‌کند، ارشاد می‌کند

سراج: چراغ

## مفهوم اصلی (ریاضی ۸۳)

«كأن إرضاء جميع الناس غاية لا تدرك»

گویا راضی کردن همه‌ی مردم هدفی است که به دست نمی‌آید.

«تمرین دوم» درس دهم عربی (۲)

## معادلات مفهومی

۱ لا تطلب الحصول على رضي كل الأفراد

(ریاضی ۸۳)

به دست آوردن خشنودی همه‌ی افراد را نخواه.

لا تدرك: درک نمی‌شود، به دست نمی‌آید

إرضاء: راضی کردن  
غاية: هدفی

## توضیحات

در معادلات مفهومی مواردی که نیاز به توضیحات بیشتری دارند با یک عدد مشخص شده‌اند در این قسمت به ترتیب توضیح آن‌ها را می‌آوریم.

۱- البته قسمت‌هایی از تمرین‌های درس سوم عربی (۲) از کتاب درسی جدید حذف شده است.

۲- اگر به متن درس سوم کتاب عربی (۳) مراجعه کنید آیات و معادلات مفهومی بیش‌تری برای این عبارت خواهید یافت.

۳- این بیت در ابیات فارسی با بیت (چون مرد سخن نگفته باشد / عیب و هنرش نهفته باشد) قرابت معنایی و مفهومی دارد.

۴- این مفهوم با «از کوزه همان برون تراود که در اوست» قرابت دارد.

۵ و ۶- مفهوم این عبارت‌ها در متن درس نهم عربی (۲) آمده است.